



محمد بن زکریای رازی از منظری دیگر

و کیمیاگر، بزرگ‌ترین پزشک بالینی در اسلام و قرون وسطا (در اروپا) بود. نظریه جالینوس را با معلومات وسیع خویش و حکمت بقراطی توأم ساخت. معلومات شیمیایی خود را در طب به کار برد و او را باید نیای استادان شیمی دانست.

کتاب الحاوی او یک دایره‌المعارف طبی عظیم است و کتاب الجدری و الحصیه او خود یک شاهکار پزشکی است (۲).

مهم‌ترین جنبه جاذبه حکیم رازی برای علمای مغرب زمین، نظر به آن که ایشان عموماً منشأ تمدن و فرهنگ غرب را یونان باستان می‌دانند، همانا یونانی مآب بودن رازی ایرانی در سیرت فلسفی (به پیروی از سقراط حکیم) می‌باشد. بنابراین، بی‌سبب نیست که «هولمیارد» او را برجسته‌ترین متفکر پیرو فلاسفه یونانی می‌داند که بشریت طی هزار و نهصد سال پس از ارسطو به خود دیده است (۲).

رازی به لحاظ حکمت طبیعی و علم اثباتی و روش تجربی، اجماع علمای فن بر آن است که اولاً با فرانسویس بیکن انگلیسی (۱۶۲۶ - ۱۵۶۱ م) قابل قیاس است و بر او فضل تقدم دارد، ثانیاً چنان که استاد «پینس» مکرر نموده است اصول طبیعت‌پژوهی رازی (ذره‌گرایی، زمان

بنابر آنچه گفته شده است علم وطن ندارد اما عالم وطن دارد. حکیم رازی نیز گذشته از ایرانی بودنش و مایه فخر و مباهات ایران و اسلام، همانا بی‌گمان یک عالم و طبیب و حکیم جهانی است که به تمام بشریت متمدن عالم تعلق دارد. این امر صرف ادعا و اظهار ما تنها نبوده، قولی است که جمله علمای مبرز و مورخان برجسته علم در جهان بر آن هستند. اگر رازی را جزو حکمای اسلامی و یا مذهب او را از مکاتب فکری اسلام به شمار آورده‌اند، در این انتساب هیچ ایراد و اشکالی به نظر نمی‌رسد، از این‌رو که اسلام به لحاظ قلمرو یا حوزه علمی و فرهنگی هم، مایه‌های فخر و مباهات بسیار و بی‌شماری حسب تعلق دانشمندان ایرانی بس بزرگی بدان حوزه‌ها، طی هزار و چهارصد سال دیناوری برای خود فراهم ساخته است (۱).

مورخان علم در مغرب زمین و علمای محقق مبرز اروپایی، برای سه تن از دانشمندان طراز اول جهانی ایران نهایت درجه اهمیت و اعتبار و تجلیل عالی، قایل شده‌اند: محمد بن موسی خوارزمی، محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، که پس از ایشان هم، ابوعلی بن سینا و به‌ویژه حکیم عمر خیام نیشابوری می‌آیند.

جورج سارتون می‌گوید که رازی پزشک، فیزیکدان

قول ابن ندیم وی در کتاب‌هایش دم از «قال استاذنا ابوموسی جابر بن حیان» زَند به کلی برخلاف مکتب جابری است و علم شیمی نوین را بنیان گذاشت.» «در یک کلمه، حکیم رازی با آن که هم به قول خود اجتهاد استادان پیشین را ارج می‌نهد، لیکن در باب معارف خویش به هیچ یک از آن‌ها بدهکار نیست. رازی نظر به خودآموزی پیوسته و تعلم یکسره کتابی‌اش، که روحیه مستقل انتقادی را به جای تبعیت و تقلید استادی در او نیرومند ساخته، در واقع شاگرد کسی نبوده، مادام که خود استاد گشته است. پزشکی اندیشمند و فیلسوفی دانشمند به تمام معنای کلمه خودساخته، بارآمده است. شاگرد مکتبی‌اش ابوریحان بیرونی نیز کمابیش همین سان بوده است. آنان به قول سعدی فرزند خصال خویشان بودند.»

از ویژگی‌های مهم دیگر رازی عشق به تعلیم و تربیت شاگردان بزرگ و با استعداد بود. او خود استادانی را پرورش داد که هر یک عالمی بزرگوار شدند که در گذشته به آن‌ها اشاره شده است. در این جا به یک نمونه بسیار جالب در این زمینه می‌پردازیم که در کتاب حکیم رازی و در صفحه ۸۶ درج شده است: «ابن ندیم در شرح خط چینی داستانی از حکیم رازی درباره هنر تندنویسی نقل کرده که حاکی از نیت دانش گسترانه و همت دانشجوپورانه، سماحت طبع وسعه صدر بزرگوارانه او است: محمدین زکریای رازی گوید که مردی از چین به نزد من آمد، حدود یک سال در پیش من ماندگار شد، ظرف مدت پنج ماه زبان عربی را به گفتار و نوشتار آموخت، چندان که در آن شیوا و رساگوی و زبردست شد. پس چون خواست به وطن خود باز گردد، یک ماه پیشتر به من گفت که عزم بازگشت دارد و مایل است که

مطلق، تصور حرکت، علم تجربی) با نظر اسحاق نیوتون (۱۷۲۷ - ۱۶۴۲ م) یکی است و ثالثاً نظر به گرایش ضد ارسطویی وی در باب معرفت‌شناسی همانا همسنگ و همانند با رنه دکارت فرانسوی (۱۶۵۰ - ۱۵۹۷ م) می‌باشد(۲).

به‌طور کلی، ایران‌شناسان، حکیم رازی را در علم تجربی با «بیکن»، در عقل‌نظری با «دکارت» و در علم طبیعی با «نیوتون» سنجیده‌اند(۲). از ویژگی مهم رازی در علم و فلسفه موضع انتقادی او نسبت به تمامی دانشمندان هم عصر خود و حتی استادان خویش می‌باشد. نقادی دیگران و تسلیم نظرات نشدن و مقلد نبودن و مرعوب نشدن نسبت به علمای دیگری در زمینه‌هایی مختلف از خصوصیات بارز این دانشمند بزرگ می‌باشد. به عبارت دیگر، استقلال فکری و رد و قبول مفاهیم بر مبنای دلیل علمی مهم‌ترین ویژگی رازی می‌باشد.

در این زمینه در کتاب حکیم رازی و در صفحه ۸۲ چنین آمده است:

«به‌طور کلی، چنان که دکتر محقق هم می‌گوید مسأله شاگردی رازی زیاد مهم نیست، آنچه مهم است این که رازی چه فراگرفته و از استادان چه آموخته است. ملاحظه شد که رازی نظر به موضع مستقل انتقادی خود، خواه در فلسفه یا طب، در واقع شاگرد مکتبی هیچ یک از استادان مذکور نبوده است. رازی گرچه در طب، دانش آموخته مکتب جالینوس و ابن‌رین طبری بوده، همانا بزرگ‌ترین منتقد طبی در دنیای اسلام و کسی است که شکوک او بر جالینوس مشهور عالم است و در خصوص فلسفه هم که بزرگ‌ترین منتقد از مکتب ارسطویی (مثنائی) و پیروان آن کندی و بلخی است، حتی در دانش کیمیا که به

جمع مال هم دستخوش حرص و آز نبوده و مالی را که به کف آورده‌ام بیهوده بر باد نداده‌ام. با مردم هیچ‌وقت به منازعه و مخاصمه برنخاسته و ستم در حق کسی روا نداشته‌ام، بلکه آن چه از من سرزده است خلاف این بوده، حتی غالب اوقات از استیفای بسیاری از حقوق خود نیز در گذشته‌ام. در باب خوردن و آشامیدن و اشتغال به ملامتی، کسانی که مرا در این حالات دیده‌اند، دانسته‌اند که هیچ‌گاه به طرف افراط متمایل نبوده‌ام و در پوشاک و مرکب و نوکر و کنیز در همین حد می‌رفته است.» (۳).

گرچه راقم این سطور سال‌ها است که مقالات متعددی درباره محمدبن زکریای رازی نگاشته و مطالعات نسبتاً گسترده‌ای در این زمینه داشته است اما برای او این نتیجه حاصل شده که تمامی آن‌ها قطره‌ای از دریای بیکران وجود این عالم ودانشمند بزرگ ایران بیش نیست. مجموعه این مطالب تنها برشی سطحی از عمق وجود او است که امیدوارم با تلاش بیشتر به این اعماق دست یابم.

در این جا باز هم سالروز تولد این افتخار ایران زمین را خدمت تمامی همکاران عزیز و به‌ویژه داروسازان گرامی که به تمام معنا خدمتگزار ملک و ملت هستند تبریک می‌گوییم و برای همه آن‌ها آرزوی توفیق و خدمت برای ایران و ایرانی دارم.

دکتر سید محمد صدر

زیرنویس

۱. اذکائی پ، حکیم رازی، حکمت طبیعی و نظام فلسفی محمدبن زکریای صیرفی. چاپ دوم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۸۴: ۲۴۷

۲. همان، ص ۲۶۲ - ۲۶۱

۳. همان، ص ۸۶

مجموعه شانزده کتاب جالینوس به او املا شود تا وی آن‌ها را بنویسد. پس به او گفتم که وقت از برای تو تنگ است و زمان درنگ برای نسخه‌برداری از آن‌ها بس اندک. آن جوان گفت که از تو خواهش می‌کنم خودت را مادام که در خدمت هستم وقف من فرمایی و با سرعت تمام کتاب‌ها را بر من املا کنی تا من بنویسم. پس من یکی از شاگردان را به حضور خواندم و هر سه گرد آمدیم و با سرعت ممکن به املا کتاب‌ها پرداختیم، اما به گونه باورنکردنی دیدم که وی در تحریر مطالب از ما پیشی می‌گیرد. هنگام بازبینی هم دیده شد که همه چیز را نوشته است. در این باب از او پرسیدم، پس گفت که ما یک نوع کتابت داریم معروف به «مجموع» و همین است که ملاحظه می‌فرمایید و چون بخواهیم که چیزی بسیار را در مدتی کوتاه بنویسیم، آن را با همین خط و کتابت می‌نویسیم، سپس اگر بخواهیم، همان را به خط معمول و مبسوط تحریر می‌کنیم. گمان می‌کرد که آدم باهوش و زرنگ و تندآموز، نتواند آن کتابت را در کمتر از بیست سال یاد گیرد.»

جنبه عملی رازی در حیات علمی‌اش نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. این بُعد که تا حدی بر اخلاق و روحیات و شخصیت فرد باز می‌گردد، در روش زندگی و نحوه تعامل با دیگران و رفتار اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. رازی در کتاب سیرت فلسفی در این زمینه چنین می‌گوید: هرگز از حدود اعتدال و امور ضروری به جهت معاش فراتر نرفته‌ام، چنان که سیرت فلسفی من هرگز این نبوده است. مثلاً به‌عنوان مردی لشکری یا عامل کشوری به خدمت سلطانی پیوندم، اگر هم در صحبت چنین کسی بوده‌ام از وظیفه طبابت و منادمت قدم فراتر نگذاشته‌ام. در